

ماجرای عشق و عاشقی میدون

لطفاًپته هم را روی آب نریزد

● **پوریا عالمی:** عبدالرضا داوری که درباره هاشمی‌رفسنجانی گفته بود «معتقدم در انتخابات مجلس خبرگان آقای هاشمی‌رفسنجانی سال آتی ردصلاحیت می‌شود و همین کرسی معمولی در مجلس خبرگان را هم از دست خواهند داد»، دیروز یک نامه نوشته به محمد حسینی، وزیر ارشاد آقای احمدی‌نژاد و پته محمد حسینی را روی آب ریخته که چطور ی وزیر شده: **جناب آقای سیدمحمد حسینی**
عضو محترم شورای مرکزی جمنّا

امروز دیدم که با عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت دهم در رابطه با اعلام کاندیداتوری جناب حمید بقایی اظهارنظر کرده و به باشگاه خبرنگاران گفته‌اید: «در تأیید صلاحیت بقایی برای انتخابات ریاست جمهوری تردید جدی وجود دارد و همان دلایلی که برای ردصلاحیت رحیم‌مشایی مطرح بود، در رابطه با بقایی نیز کم‌وبیش صدق می‌کند و بعید است صلاحیت وی از سوی شورای نگهبان تأیید نشود». در همین رابطه لازم دانستم خاطره‌ای را که از یکی از اعضای دولت وقت درمورد شما شنیده‌ام خدمتان یادآوری کنم تا اوج نمک‌نشناسی‌تان علیه جناب مهندس اسفندیار رحیم‌مشایی را به یاد آورید. حتماً شامگاه یازدهم شهریور ۸۸ را به یاد دارید؛ همان شبی که فرادیش قرار بود از سوی جناب دکتر احمدی‌نژاد به‌عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت دهم به مجلس شورای اسلامی معرفی شوید؛ جنابعالی هم سراسیمه به جناب مهندس مشایی مراجعه کرده بودید و در حضور یکی از معاونین رئیس‌جمهور، پایان‌نامه دکتری‌تان را تصور می‌کردید تا اصالت تحصیلی خود را به اثبات رسانید و سرآخر هم یک جلد از پایان‌نامه‌تان را به جناب مشایی تقدیم کردید تا نزد رئیس‌جمهور شفاعت‌تان را کند.

پیشنهاد می‌کنم که یک‌بار دیگر سخنان التماس‌گونه‌تان را در حیاط ریاست‌جمهوری مرور کنید.حیف از مدال افتخار عضویت در کابینه دولت نهم و دهم که از سوی جناب دکتر احمدی‌نژاد به نمک‌نشناسانی چون شما هبه شد تا سری در میان سرها درآورید و چنان نمک خورید و چنین نمکدان بشکید.

امضا: عبدالرضا داوری

وصیت:سوفیا... عشق من... امان از روزی که پرده فروافتد و پته روی آب ریخته شود. واقعاً کجای تاریخ خنده‌دار است؟ عاشق بی‌پرده تو؛ میدون دوم

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۹۵ ۶ جمادی‌الثانی ۱۴۳۸ ۵ مارس ۲۰۱۷ سال چهاردهم ۳۰ شماره ۲۸۱۸ ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۶ ۱۸:۲۱ اذان مغرب ۵:۰۵ طلوع آفتاب ۶:۲۸

روزنامه‌فرا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

سپهیل محمدی

دولت به‌دنبال ترمیم حقوق‌های زیر دو میلیون تومان است



سامسونگ SAMSUNG

باخرید

تلویزیون های هوشمند سامسونگ

۶ ماه اشتراک رایگان آیو



کاملترین رسانه پخش اینترنتی کشور

- پخش و بازگشت به عقب برنامه های زنده تلویزیون
- بازپخش تمامی برنامه های تلویزیون تا ۷ روز
- ضبط برنامه های دلخواه
- دسترسی به هزاران فیلم و سریال روز ایرانی و خارجی
- پخش شبکه های اختصاصی کودک و ورزش

فقط با ضمانت **سام** سرویس **۰۲۱-۸۲۵۵**

شرق: طرح‌هایی با یک قلم و کاغذ ساده. بدون رنگ. چند خط با المان‌های تکرارشونده، یادآور روزگاری که در بند گذشت بر طراحی که حتی در بند نیز از طرح‌زدن دست بردناشت. تازه‌ترین کتاب مجموعه‌کارتون‌های هادی حیدری حاصل طرح‌های او از چنین دورانی است. چنان‌که از عنوان کتاب، «زندانی بند هشت» نیز برمی‌آید، کتاب شامل کارتون‌هایی است که هادی حیدری به تصویر کشیده است. مجموعه‌آثار منتشرشده در این کتاب روایتی است از تفکر زندان‌وارگی که در قالب کارتون‌های سیاه‌وسفید و با تکنیک خط و هاشور خلق شده‌اند. طرح‌ها چنان هم‌بسته‌اند که در ورق‌زدن نخست کتاب، مخاطب با یک روایت مواجه می‌شود؛ طرح‌هایی که به‌خاطر خلق‌شدن در یک حال‌وهوا و در یک دوره زمانی حاوی نشانه‌های مشترک‌اند و همین نشانه‌ها، این طرح‌ها را در امتداد هم نشاندۀ و روایتی را می‌سازد که فراتر از طرح‌ها می‌رود. سادگی



و بی‌تکلف‌بودن خط- هاشورهای این مجموعه، در بدو امر نشان از امکانات محدود طراح دارد، اما همین محدودیت و ناگزیری برای طراح امکانی را فراهم آورده است که بتواند به موجزترین حالت ممکن طرح‌هایی خلق کند با یک روایت تاریخی. هادی حیدری، طراحی تجربه‌گراست و از تکرار کارهای خودش پرهیز می‌کند؛ همین تجربه‌گرایی، آثار او را همیشه در معرض داوری قرار داده است. هادی حیدری در طرح‌هایش نگاه انسانی به سوزۀ دارد؛ انسان در جهان، با موضوعاتی که او را به سیطره خود درآورده است؛ حیدری گاه راوی دردهای آنان است و گاه لحظه‌های طرب‌انگیزشان را به تصویر می‌کشد، لحظه‌هایی طرب‌انگیز که با شوخی‌طبعی آمیخته است. کتاب «زندانی بند هشت» در قطع خشتی، در نشر نظر منتشر شده و در کتاب‌فروشی‌های معتبر سراسر کشور موجود است.

رودردرو

گفت‌وگو با «محمدحسین خسروپناه»، به بهانه چهاردهم اسفند

از مصدق تا مصدق

دهیم می‌توانیم بهتر از جایگاه و نوع سیاست‌ورزی او آشنا شویم. برای شخص من آنچه مصدق را به‌عنوان یک سیاست‌مدار ملی برجسته می‌کند، پایبندی او به قانون اساسی مشروطه و متمم آن، رعایت حقوق و آزادی مخالفان و تأکیدش بر ضرورت مشارکت عمومی در قدرت سیاسی کشور و همچنین میهن‌دوستی او است.

آیا می‌توان الگوی میهن‌دوستی مصدق را در شرایط امروز ایران هم قابل قبول دانست؟

میهن‌دوستی‌ای که دکتر مصدق به آن پایبند بود، دموکراتیک و مبتنی بر پذیرش حقوق متقابل بود. سستیز ایدئولوژیک با همسایگان و قدرت‌های بزرگ جهان نداشت. براساس درک خود از منافع ملی تلاش می‌کرد با توجه به قدرت ایران در سطح منطقه، روابط خوبی با دولت‌های همسایه داشته باشد و درعین‌حال استقلال کشور را کاملاً پاس بدارد و نگذارد دولت‌های بیگانه در امور داخلی ایران مداخله کنند. هرجا که لازم بود، مقابل شوروری، انگلیس و آمریکا ایستاد. در دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق، شاهد تداوم انقلاب مشروطه از جنبه استقلال سیاسی بودیم. اراده عمومی در استقلال‌طلبی، سرانجام به ملی‌شدن صنعت نفت منجر شد.

ک‌مواجهه امروز نسل جوان با مصدق چطور است؟

در بین فعالان سیاسی و پژوهشگران جوان عمدتاً سه تلقی نسبت به دکتر مصدق مطرح است: عده‌ای با ایشان مخالف‌اند و تلاش می‌کنند از او چهره‌ای ضعیف، نامتعادل و سستیزه‌جو بسازند که پایبندی به اصول ندارد. شماری از اینها با برجسته‌کردن قوام‌السلطنه می‌خواهند از قوام جایگزینی برای مصدق بسازند. عده‌ای هم شیفته مصدق هستند و ناخواسته چهره‌ای قدیس از او ساخته‌اند. عده‌ای هم باوجود آن‌که به خط‌مشی و سیاست‌ورزی دکتر مصدق علاقه دارند، اما در بررسی‌هایشان، با جایگاه تاریخی و کارنامه سیاسی دکتر مصدق برخورد نفاذانه می‌کنند. تلقی غالب در بین مردم از جمله جوانان نسبت به دکتر مصدق، تا آنجا که دریافته‌ام، این است که او سیاست‌مداری بود که برای رشد و توسعه کشور و سربلندی مردم ایران تلاش کرد و می‌خواست مردم ایران به حقوق حقه خود دست یابند.

ک‌امروز درودیوارهای شهر پر است از کرافتی‌هایی به یاد مرحوم مصدق. تحلیل‌تان از این واقعه چیست؟

به نظر من نسل جوان، دارد آگاهانه با مصدق مواجه می‌شود، چراکه چهره او را به‌عنوان قهرمان شناخته، مشی و منش سیاسی و ملی او را پذیرفته و بر درودیوار منعکس می‌کند. تلاش مصدق برای حل مسالمت‌آمیز مسائل با تکیه بر نیروی توده مردم، گفت‌وگو برای حل مشکلات و مشارکت مردم در جهت بهبود و بهزیستی زندگی خود مردم، ویژگی‌هایی است که مرحوم مصدق را از یک سیاست‌مدار معمول این کشور بالاتر برده و به‌عنوان یک نماد هویت سیاسی مطرح کرده است. شاید امروز با تغییروتحولات سیاسی کشور و جهان، برخی از روش‌های مصدقی دیگر چندان پاسخ‌گو نباشد، اما جوهره عمل سیاسی او، عاملی است که موجب شده علاقه‌مندان بسیاری در میان مردم و نسل جوان داشته باشد که با انتشار این هنر خود، گاه یادآوری می‌کنند که سیاست‌مدار بودن در ایران چه بوده و چه جایگاهی داشته و امروز چه شده است.

پیشنهاد

صدودومین شماره نشریه چشم‌انداز ایران ویژه اسفندماه و فروردین است، به همین خاطر نویسندگان این شماره، گاهی به اتفاقات سال ۹۵ و ۹۶ داشته‌اند. لطف‌الله میثمی در مقاله‌ای به صداهای ناشنیده پرداخته، کمال اطهاری از شهری‌شدن سرمایه گفته است و امین یاری به بررسی یکی از احکام فقهی آیت الله منتظری پرداخته است. میزگرد تاج‌زاده، عیدی و علوی‌تبار هم درباره انتخابات پیش‌رو و استراتژی امید است.



زیر آسمان شهر

خانه سینما واهداف صنفی فراموش‌شده

گیسو فغفوری: بی‌شک نهاد خانه سینما برآمده از انقلاب اسلامی و در راستای افزایش سطح جایگاه سینمای ایران است. این نهاد هنری- صنفی، از بدو تأسیس تاکنون نقش‌ها و تأثیرات متفاوتی را در سینمای ایران داشته است. جامعه اصناف سینمای ایران (خانه سینما) با ۳۱ صنف سینمایی، مانند همه نهادها از آغاز تأسیسش (در سال ۱۳۷۲) دوره‌های گوناگون و متفاوتی را از حیث توجه و رویکرد به فعالیت‌های فرهنگی و صنفی گذرانیده است. اما دوران (۱۳۸۷-۱۳۹۰) در عین بحرانی‌بودن فضا و مخالفت‌های دولت با آن، به‌عنوان مقطعی تاریخی در دوران خانه سینما از منظرهای مختلف در خاطره‌ها ماند.

در این دوران با همبستگی اعضای خانه سینما و همچنین همکاری اعضا و همیاری ۱۰ نفر از سینماگران شاخص در کنار هیئت‌مدیره - فرهاد توحیدی و... و مدیرعامل - عسگریور- به‌عنوان سرمشقی برای فعالیت‌های صنفی در یادها مانده است. در این دوره با وجود رأی انحلالی که به خانه سینما داده شد اما با رویکرد طراحی سیاست‌ها و برنامه‌هایی که برای کسب‌وکار حرفه سینما انجام شد، تلاش شد نقش خانه سینما در عرصه مدیریت سینما پررنگ‌تر شود و به‌عنوان حامی سینماگران انجام وظیفه کند. تنظیم و نگارش لایحه «قانون حمایت از حقوق مادی و معنوی آثار سینمایی» و «قانون تشکیل و اداره سازمان سینمایی» و ارسال و پیگیری آن به نهاد‌های اجرایی و مقننه اگرچه با اقبال دولتمردان روبه‌رو نشد اما نقش خانه سینما را در طراحی نظام جدید مدیریت سینما بر همگان معلوم کرد. برگزاری چندین برنامه آموزشی خارجی در داخل و خارج کشور و دعوت و میزبانی از هیئت‌مدیره آکادمی اسکار در تهران، توان این نهاد صنفی را در بهبود کسب‌وکار به رخ بخش دولتی کشید. شاید این توانایی‌ای بود که باعث شد پس از روی‌کارآمدن دولت دهم و جواد شمعدری به‌عنوان معاونت سینمایی، این هم‌اوردی به منازعه و در نهایت بسته‌شدن غیرقانونی خانه سینما به وسیله دولت احمدی‌نژاد بینجامد. در دوران چهارساله دولت دهم فرازونشیب‌های زیادی بر سر اعضای خانه سینما رفت و گذشت. روزهای تلخی که بازیگرانی مانند جواد شمعدری، بابک خانیان، علیرضا سجادیور، سیدضیا هاشمی، علیرضا رئیسیان،شورچه، بابویهی، کاسه‌ساز و... داشت، نام‌هایی که هرگز از یاد اهالی خانه سینما نمی‌رود. اما پس از گذر از توفان‌ها و با روی‌کارآمدن دولت یازدهم همه چیز به شکل دیگری پیش رفت و با بازگشایی خانه سینما و عوض‌شدن هیئت‌مدیره روند متفاوت و اما بی‌تأثیری آغاز شد. هیئت‌مدیره خانه سینما با همراهی سازمان سینمایی نقشی خنثی برای خود تعریف کرده و اتفاقاً در برخی رخداد‌های مهم کاملاً کم‌رنگ ظاهر شده است. هیئت‌مدیره خانه سینما در دو‌سال‌ونیم گذشته وقت و پول زیادی برای بازسازی ساختمان بهار و سالن سیف‌الله داد صرف کرده و درعین‌حال به دنبال کارهای ثبت قانونی انجمن در وزارت کار بوده است تا مسائلی نظیر دولت دهم رخ ندهد. اما در کمال تأسف از تلاش برای پیگیری مطالبات صنفی نظیر امنیت شغلی و فراتر از آن از پیگیری تغییر ساختار اداری سینمای ایران که پیش‌تر در دو نظام‌نامه با عنوان لایحه حمایت از آثار سینمایی و قانون نظام سینمایی مطرح شده بود، فروگذار کرده است.

امروز و برای برگزاری مجمع عمومی خانه سینما که منجر به انتخابات هیئت‌مدیره می‌شود، می‌توان تنها ابراز امیدواری کرد که اصناف سینمایی با انتخاب نمایندگان‌ی تحول‌خواه و شجاع و داوطلب فعالیت‌های صنفی، سنک بنای حضور مطالبه‌گرانه و خواسته‌های صنفی را تأیید و امکان نقش‌آفرینی صنفی را فراهم کنند و از نقش کنونی خود به‌عنوان بازوی اجرایی دولت یا کانون فرهنگی دست بردارند و جایگاهی مقتدرانه برای خود تعریف کنند.

